

زیر آسمان فیروزهای

تجلیل از خسرو سینایی در زادگاهش



● پاسداشت و تجلیل از خسرو سینایی برای چند دهه حضور و اثرگذاری‌اش در عرصه‌های هنری در زادگاهش، ساری برگزار خواهد شد. نکوداشتی برای خسرو سینایی، فیلم‌ساز، شاعر، موسیقی‌دان و نویسنده، از سسوی خانه هنرمندان ساری، با همکاری انجمن سینماگران خانه هنرمندان ساری و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران ۲۷ و ۲۸ دی‌ماه ۱۳۹۷ در سالن نمایش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نشانی خیابان شهیند ساری، پارک کوشاستنگ برگزار خواهد شد. بر اساس اطلاعیهٔ خانه هنرمندان ساری، در روز اول این مراسم در ۲۷ دی‌ماه از ساعت ۱۶ الی ۲۰ فیلم‌های «شرح‌حال»، «حاج مصورالملکی»، «عبور از نمدانم»، «جواهرات ملی» و «گواهان تاریخ» به نمایش درمی‌آیند و همچنین سخنرانی‌ای با حضور خسرو سینایی و جلسه پرسش‌وپاسخ با علاقه‌مندان برگزار خواهد شد. در روز دوم این مراسم در ۲۸ دی‌ماه، ساعت ۱۷ الی ۲۰، مراسم زادروز خسرو سینایی همراه با نمایش فیلم «دستگاه»، ساخته او و اجرای زنده موسیقی برگزار خواهد شد و در حاشیه این بزرگداشت دوره‌ز نیز نمایشگاه عکسی از مجموعه شخصی خسرو سینایی در گالری کانون پرورش فکری نیز به معرض دید عموم گذاشته خواهد شد.

«همه می‌دانند» نامزد جوایز انجمن منتقدان فیلم اسپانیا شد

● فیلم «همه می‌دانند»، به کارگردانی اصغر فرهادی، در شش شاخه از جایزه «فروز» اسپانیا ازجمله بهترین فیلم و همه‌شاخه‌های بازیگری نامزد کسب جایزه شناخته شد. در جایزه

«فروز» که از سوی انجمن منتقدان و نویسندگان فیلم اسپانیا برگزار می‌شود، فیلم «همه می‌دانند» در شاخه بهترین فیلم درام با فیلم‌های «کارمن و لولا»، «پترا»، «چه کسی برای تو می‌خواند»، «قلمرو» و «سفر به اتاق مادر» رقابت خواهد کرد.
ایـن فیلم همچنین در شاخه‌های بهترین بازیگر نقش اول زن (پنه لویه کروز)، بهترین بازیگر نقش اول مرد (خاویر باردن)، بهترین بازیگر نقش مکمل زن (باربارا لسی)، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (ادوارد فرناندز) و همچنین بهترین تریلر نیز نامزد دریافت این جایزه شده است.
جایزه «فروز» در سال ۲۰۱۳ به وسیله انجمن منتقدان و نویسندگان فیلم اسپانیا در منطقه باسک بنیان گذاشته شده و یکی از مهم‌ترین جوایز سینمایی اسپانیا به شمار می‌رود.
ساخته اسپانیولی‌زبان فرهادی در جوایز سینمای «گویا» موسوم به اسکار سینمای اسپانیا نیز در هشت بخش ازجمله بهترین فیلم و کارگردانی نامزد کسب جایزه شده و قرار است از تاریخ هشتم فوریه ۲۰۱۹ (۱۹ بهمن) در آمریکا اکران شود.
مراسم اعطای جوایز فیلم «فروز» روز ۱۹ ژانویه (۲۹ دی) در سالن شهر بلبائو برگزار می‌شود.

گروه اندیشه: جلسه بررسی انتقادی کارنامه یرواند آبراهامیان تاریخ‌نگار برجسته ایرانی روز گذشته در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در این مراسم که برگزارکننده آن ماهنامه «مردم‌نامه» بود، هاشم آقاجری، محمدمالجو و مصطفی عبدی سخنرانی کردند. با آنکه نام ابراهیم توفیق نیز جزو سخنرانان این جلسه اعلام شده بود، اما او به سباق چند نشست دیگر ازاین‌دست در این برنامه هم حضور نداشت. آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه سخنرانی آقاجری و مالجو در این نشست است.

هاشم آقاجری: شکاف‌های افقی و عمودی در ایران معاصر

یرواند آبراهامیان یکی از مورخان برجسته روزگار ماست. خوشبختانه آثار او در سال‌های گذشته به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده و دانشجویان کم‌وبیش با آنها آشنا هستند. آبراهامیان حیطه پژوهشی خاصی دارد. از این نظر، برخلاف برخی افراد دیگری که به‌گونه‌ای دایره‌المعارفی و بسیار گسترده کار می‌کنند آبراهامیان به حیطه پژوهشی خاص خود وفادار بوده. حوزه مطالعاتی او عمدتا دو سده اخیر تاریخ ایران است. مطالعات او از دوره قاجاری سده نوزدهم ایران آغاز می‌شود و تا روزگار ما ادامه می‌یابد. حماصینی که در آثار او دیده می‌شود مربوط است به ایران دوره قاجار، انقلاب مشروطیت، دوره رضاشاهی، نهضت ملی ایران، کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ و نیز دهه‌های پس از پیروزی انقلاب.

باید میان حوزه شناخته‌شده‌تر جامعه‌شناسی تاریخی (Historical sociology) و حوزه مغفول تاریخ جامعه‌شناختی (sociological history) تفکیک قائل شویم. شاید اصطلاح تاریخ جامعه‌شناختی کمتر رایج باشد اما در تمایز با اصطلاح جامعه‌شناسی تاریخی حوزه مشخص‌تری را بیان می‌کند. جامعه‌شناسی تاریخی معمولا از چارچوب‌ها و الگوهای نظری معین و انتزاعی شروع می‌کند و به تاریخ می‌پردازد، ولی مورخان جامعه‌شناس، تاریخ‌را از منطری جامعه‌شناسانه مطالعه می‌کنند و از آنجا که رهیافت‌شان جامعه‌شناختی است با وضعیت کنونی ما پیوند وثیق و نزدیکی برقرار می‌کنند. در الگوهای انتزاعی که گاه صورت کلیشه‌ای پیدا می‌کند و عمدتا برگرفته از مطالعات جامعه‌شناختی اروپامحور است بیش از آنکه تاریخ مشخص ایران را ببینیم انعکاس و صدای چارچوب‌های نظری و کلیشه‌های مفهومی را می‌بینیم. از این جهت آبراهامیان را در زمره مورخان جامعه‌شناختی طبقه‌بندی می‌کنم و کار او را به‌عنوان نوعی تاریخ جامعه‌شناسانه ارزیابی می‌کنم نه جامعه‌شناسی تاریخی. در کتاب «بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی» به ویراستاری پایدی‌ای پیدا نمی‌کرد. آن را به فارسی برگردانم هم برودل حضور دارد و هم والرشتاین. درحالی‌که بیرون مکتب آتال در مرتبه اول مورخ‌اند، مورخانی که سهم بسیار مؤثری در تکوین و پروراندن آنچه ما به‌عنوان جامعه‌شناسی تاریخی می‌شناسیم داشته‌اند. مثلا والرشاین می‌گوید، اگر برودل نبود نظریه جهان نظام او نیز بنیاد و پایه‌ای پیدا نمی‌کرد. در میان کسانی که به تاریخ ایران پرداخته‌اند و دغدغه مفهوم‌پردازی و نظریه نیز داشته‌اند می‌توانیم رهیافت‌های گوناگونی را تشخیص دهیم. اولین رهیافت مسلطی که نسل من و پیش از من در دهه‌های گذشته در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با آن آشنا بودند رهیافتی بود که منبع الهامش آیدنلوزوی مارکسیست بود، آن هم مارکسیسم از سنخ مارکسیسم حزبی اتحاد جماهیر شوروی. این رهیافت مسلط و شاید تنها رهیافت مفهومی و نظری بود که در ایران به‌خصوص به تبعیت از پژوهشگران شوروی رایج بود. ولی این رهیافت که در قالب مارکسیسم ارتدوکس و حزبی‌س کار می‌کرد امروز نتنها در ایران بلکه در سایر کشورهای جهان به حاشیه رانده شده است.

در کنار این رهیافت از دهه ۱۳۶۰ شاهد ظهور و بروز رهیافت‌های دیگری هستیم. البته پیش از انقلاب با نمونه‌ای مثل احمد اشرف مواجهیم ولی اثر او در حاشیه بود نه در متن. کار او بیشتر متأثر از دیدگاه‌های وبری بود. چارچوب‌های وبری از دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ هم در میان جامعه‌شناسان و هم مورخان گسترش بیشتری یافت. خود من در یک بررسی که به‌صورت کتابچه‌ای چاپ شد کوشیدم تحولات ساختار سیاسی دوره صوفیه



بررسی انتقادی کارنامه یرواند آبراهامیان در دانشگاه تربیت مدرس

سرنوشت ایران بین دو انقلاب

را با نظریه وبری توضیح دهم. در دو دهه اخیر ما شاهد نوعی همگرایی میان چارچوب‌های مارکسی و وبری هستیم در قالب رهیافت‌های نومارکسیستی و نوووبری. رهیافت دیگر شیوه تولید آسیایی است که به‌خصوص در دوره اصلاحات در دهه ۱۳۷۰ با استقبال زیادی روبه‌رو شد، بنا به دلایل سیاسی و جنبش اصلاح طلبی که می‌خواست کلیت ملیت را بر اساس شکاف دولت- ملت برای یک جنبش اصلاحی بسیج کند. به همین سبب و بر بنیاد همین بستر اجتماعی است که می‌بینیم نظریه شکاف دولت- ملت که در واقع خاستگاه و سرچشمه‌اش نهایتا نظریه‌های استبداد شرقی ویتفولک و مستقیم یا غیرمستقیم نظریه شیوه تولید آسیایی است به‌خصوص در آثار کاتوزیان مطرح می‌شود.

رهیافت دیگری که هنوز در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته رهیافت آلتوسری است. به گمان من چارچوب آلتوسری با واقعیت‌های تاریخ ایران سازگارتر از چارچوب‌های ارتدوکس مارکسیستی است، چون نوعی هژمونی و هم‌زیستی شیوه‌های متنوع تولید را مدنظر قرار می‌دهد و با واقعیت‌های تاریخ ایران سازگارتر است. یعنی در سه حوزه شهری، روستایی (زراعی) و شایانکارهای (ایلی یا عشیره‌ای) هم‌زیستی این سه شیوه زیست و این سه شیویه تولید را در دوره‌های مختلف تاریخ نشان می‌دهد. عامل بسیار مهمی که در تاریخ ما تا دوره پهلوی اول ادامه یافته عنصر قبیله است. تاریخ ایران از جهتی تاریخ قبیله‌ای است. به‌هرحال حداقل در طول هزار سال خاستگاه قدرت سیاسی و دولت در ایران خاستگاه قبیله‌ای بوده و دوره رضاشاهی بود که ما از ساختارهای قبیله‌ای به ساختارهای بوروکراتیک مدرن عبور کردیم.

در بین این رهیافت‌ها جایگاه آبراهامیان کجاست؟ اولاً، همان‌طور که خود او به‌خصوص در کتاب «ایران بین دو انقلاب» تصریح می‌کند یک مورخ چپ است. به این معنی که با ایده‌های عدالت‌طلبانه، مردم‌گرایانه و توجه به فرودستان شناخته شده است. البته نه از نوع چپ حزبی و ارتدکس بلکه یک چپ آکادمیک است که آن را می‌توان ذیل عنوان نومارکسیسم طبقه‌بندی کرد. اما میان نومارکسیسم‌های گوناگون، در تقابل میان چپ ساختارگرا و چپ عامل‌گرا (یعنی منازعه‌ای که در بریتانیا بین مورخان حزب کمونیست درگرفت و دو نماینده اصلی‌اش بری اندرسون و ای. پی. تامسون بودند)، آبراهامیان خود را نومارکسیست تامسونی معرفی می‌کند. برخلاف مارکسیسم ارتدوکس که طبقه را یک شیء، و واقعیت داده‌شده مستقل از ذهن و مستقل از بازیگران و عاملان تاریخ می‌داند، به گونه قالب از پیش‌تعین‌شده‌ای که آدم‌ها در آن عمل می‌کنند، تعریفی که آبراهامیان از طبقه دارد به تبعیت از تامسون یک رخداد و یک فرایند است. فرایندی که انسان‌ها خود در ساختنش شریک‌اند. یکی از بهترین آثار در این زمینه یعنی «تکوین طبقه کارگر در انگلستان» (با ترجمه محمد مالجو) ناظر به همین وجه است. طبقه کارگر انگلستان طبقه‌ای است که در فرایند تاریخی توسط خود کارگران بر اساس تجربه زیسته‌شان در شیوه تولید خاصی که در حال تکوین بود در قرن هجدهم ساخته شد. اینجاست که مسئله عاملیت در کانون توجه مورخ

اندیشه – هنر



بررسی انتقادی کارنامه یرواند آبراهامیان در دانشگاه تربیت مدرس

سرنوشت ایران بین دو انقلاب

قرار می‌گیرد. اما از طرف دیگر آبراهامیان مثل تامسون (به‌خصوص در برخی از آگارش) می‌کوشد تاریخ مردم بنویسد.

در کار آبراهامیان بعضا بنا به دلایلی یک نوع تاریخ از بالا می‌بینیم. اگر تاریخ از بالا را تاریخ دولت‌محور بنامیم و تاریخ از پایین را تاریخ مردم‌محور، تاریخی که بنیاد تحولات تاریخی را نیروهای اجتماعی می‌داند، آنگاه آبراهامیان در «ایران بین دو انقلاب» تاریخ مردم می‌نویسد. شاید چون آغاز پروژه این کتاب قرار بود فقط پژوهشی باشد راجع به حزب توده. این حزب نخستین حزب واقعی توده‌ای است که در تاریخ ایران ظاهر می‌شود. به همین دلیل آبراهامیان در این کتاب نیروهای اجتماعی را مورد توجه قرار داد. این کتاب می‌خواهد بگوید تحولات دولت متأثر از تحولات اجتماعی است. سازمان‌های سیاسی و نظام قدرت تابعی است از جنگ نیروهای اجتماعی در پایین. به‌عبارت‌دیگر اگر جامعه و دولت را از هم تفکیک کنیم، در «ایران بین دو انقلاب» بپویایی جامعه است که سازمان‌های سیاسی را شکل می‌دهد و سپس از آن طریق بر سیاست تأثیر می‌گذارد. ولی در کتاب «ایران مدرن» آبراهامیان مبنای کار خود را در اینجا می‌گذارد. استدلال او از این قرار است که چون موتور تمام تغییرات و دگرگونی‌های مهم در جامعه ایران دولت است اساس کار را بر دولت می‌گذارم. در اینجا نکته ظریف آن است که اگر رابطه بین عاملیت و ساختار را ثابت در نظر بگیریم با تناقض روبه‌رو می‌شویم. یعنی این تصور که در همه دوره‌ها عاملیت‌ها به‌طور یغنی به ساختارها شکل می‌دهند. در این صورت می‌توان از آبراهامیان پرسید، چرا در تاریخ ایران مدرن به‌خصوص در ایران دوره قاجاری اساس را بر دولت می‌گذارید؟ پس نیروهای اجتماعی کجا رفتند؟ در دیدگاه مارکس نیز در تحلیل نهایی انسان‌ها هستند که تاریخ خودشان را می‌سازند، هر چند نه در خلأ بلکه بر اساس شرایطی که به آنها داده شده. به نظر من ترکیب و سهم ساختار و عاملیت تابعی است از موقعیت‌های تاریخی و در نتیجه گاه ساختارها چنان متصلب است که عاملیت‌ها را زمین‌گیر می‌کند و گاه برعکس.

یکی از پیچیدگی‌های مهمی که باعث می‌شود نتوانیم تحلیلی مثل شیوه تولید آسیایی را برای ایران بکار ببریم، این مسئله است که در ایران دولت کمونیست وجود ندارد. جامعه ایران به علل تاریخی با تنوع زیادی روبه‌رویم. این تنوع باعث شده شکاف طبقاتی (که شکافی افقی است) در دوره‌های مختلف تحت تأثیر شکاف‌های عمودی قرار بگیرد و مانع از تکوین واحدهای طبقاتی تمام‌عیار و کلی شود که جنگ طبقاتی را در تاریخ ایران به صحنه بیاورد. شکاف‌های عمودی خنثی‌کننده شکاف‌های افقی است. شکاف بسیار مهم عمودی شکاف قومی است. یکی از نکات مهمی که آبراهامیان در کتاب «ایران مدرن» به‌خصوص در دوره قاجار به آن توجه کرده و به دام تقلیل‌گرایی اقتصادی نیفتاده این است که در کنار شکاف‌های طبقاتی به شکاف‌های قومی نیز توجه کرده است.

محمد مالجو: آورده‌ها و مفقوده‌های تاریخ‌نگاری یرواند آبراهامیان

یرواند آبراهامیان به داوری من برجسته‌ترین مورخ تاریخ معاصر ایران است. آبراهامیان در مقام یک مورخ ملهم از مورخان بریتانیایی مکتب «تاریخ از پایین» یا «تاریخ مردم» است، مورخانی مثل جورج رودی، اربک هابسبام، کریستوفر هیل و ادوارد پالمز تامسون که مهم‌ترین منبع الهام تاریخ‌نگاری آبراهامیان است. آبراهامیان نخستین فردی بود که رویکرد تاریخ از پایین را به شیوه‌ای منضبط و آگاهانه وارد تاریخ‌نگاری ایران کرد. به این اعتبار، او شان بنیان‌گذارانه در تاریخ‌نگاری ایران دارد و پدر تاریخ‌نگاری از پایین است. بیش و پیش از هر کسی، با آبراهامیان بود که امروز ما، خصوصا در زمینه تاریخ معاصر، تاریخ را دیگر فقط از دریچه دوربین قاتحان، نخبان سیاسی، شاهان قدیم و جدید و … نمی‌بینیم و منظر فرودستان نیز در تاریخ‌نگاری رویداده‌ها و لحظات تاریخی در بسیاری از موارد تعبانی دیگرگونه پیدا می‌کند. من فقط اشاراتی می‌کنم به برخی دستاوردهای این نوع تاریخ‌نگاری در کارهای شخص آبراهامیان. او انقلاب را بیشتر از پایین می‌بیند نه از بالا. او معتقد است ایرانیان در تاریخ معاصر اعتراضات خیابانی‌شان را عمدتا ملهم از فرهنگ ایرانی و تاریخی خودشان راه می‌انداختند. او فرزاز و فرود جنبش‌های کارگری را – خصوصا در حد فاصل سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و به‌ویژه سال‌های اولیه این دوره که شوروی در ایران حضور نظامی داشت - نه متأثر از خط‌شیی شوروی بلکه متأثر از بپویایی‌های درون جامعه از جمله مجموعه فعالیت‌هایی بررسی می‌کند که در درون حزب توده یا سایر نیروها صورت می‌گرفت. آبراهامیان با انتقاد از تصور متعارف درباره استبداد شرقی که هم به بهترین

شکل و هم به متعارف‌ترین شکل در کارهای کاتوزیان تجلی می‌یابد، مشخصا در مورد سلطنت قاجار نشان می‌دهد.شاهان قاجار مستبدانی بودند بدون ابزار استبداد و این توانایی را نداشتند که در پهنه ملی اعمال استبداد کنند. این نظر به ایده دیگری از آبراهامیان راه می‌برد که برخلاف تصور این‌گونه نبوده که ایرانیان در زمان قاجار فاقد چیزی باشند و بعدها به نام جامعه مدنی برای ما آورده شود. آبراهامیان سیاست را در ایران نوعی نمایش خیمه‌شب‌بازی نمی‌داند که گویی قدرت‌های خارجی کنترل سیاستمداران داخلی را از طریق ریسمان‌هایی نامرئی بر عهده دارند. او پارنویا را در روان جمعی ما و پدران و مادران ما در ادوار گذشته جدی می‌داند. در عین حال معتقد است که با احتساب تجربه نفوذ امپریالیستی برخی بدگمانی‌ها در مورد توطئه خارجی کاملا واقعیت و عینیت دارد، مثلا انگلستان واقعا می‌خواست دکتر مصدق را سرنگون کند. موارد بسیار پرشماری در کارهای پرتعداد آبراهامیان وجود دارد که محصول نگاه او از پایین به تاریخ است.

دیدن عاملیت‌های داخلی و مردم و نیز فقدان عاملیت‌ها محصول نگاه تاریخ از پایین است. اگر از این دریچه به تاریخ بنگریم مشخص می‌شود بسیاری از حقایق تاریخی افسانه‌های تاریخی بیش نیستند. این نوع تاریخ‌نگاری چهار لازمه کلیدی دارد. سطح اول، هستی اجتماعی سوزه‌های مورد مطالعه در کارهای آبراهامیان است که از این کتاب به آن کتاب و از این مقاله به آن مقاله متفاوت است. در سطح هستی اجتماعی سوزه‌های مورد مطالعه، آدم‌ها، مردم، سیاستمداران و … انواع هستی‌شان بر فرار سرشان شکل می‌گیرد. ترکیب طبقاتی، قومی، نژادی، دینی، قبیله‌ای، جنسی و … آقای آبراهامیان در این سطح با قوت بر این لازمه تاریخ‌نگاری از پایین متمرکز شده و به طرز بی‌سابقه‌ای غنای تجربی بسیار بالایی به هستی طبقاتی و هستی قومیتی بخشیده است. این نکته که لازمه تاریخ‌نگاری از پایین است که نظر من که البته تاریخ‌نگار نیست نزد آبراهامیان به قوت شکل گرفته، نه صرفا در چارچوب مفاهیم انتزاعی بلکه در چارچوب کار تاریخ‌نگاری.

سطح دوم سطح تجربه‌های زیسته و شیوه زندگی سوزه‌های مورد مطالعه است. اهمیت سطح اول در اینجا خود را نشان می‌دهد، اینکه سوزه‌های مورد مطالعه چه تجربه‌های زیسته‌ای داشته باشند تمام و کمال تحت تأثیر هستی اجتماعی است که شکل می‌گیرد. مطالعه سطح دوم به معنای محدود مدنظر من کار تاریخ‌نگاری اجتماعی است. تاریخ‌نگاری اجتماعی از اصلی‌ترین ارکان تاریخ‌نگاری از پایین است، بنا بر تصور من، این حلقه مفقوده تاریخ‌نگاری آبراهامیان است. در کار او چندان تاریخ اجتماعی به چشم نمی‌خورد. البته می‌دانیم که این کار جقدر در فقدان آرشو و اسناد مشکل است، بنابراین مفقود اصلی تاریخ‌نگاری آبراهامیان تاریخ‌نگاری اجتماعی است. اهمیت این نوع تاریخ‌نگاری و تجربه‌های زیسته در این است که ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی‌ها و ناآگاهی‌ها و مهرها و کینه‌ها و… پدران و مادران ما و نیز خود ما را شکل می‌دهد. گرایش‌های اجتماعی مردمان تا حدی تحت تأثیر تجربه‌های زیسته روزمره‌شان شکل می‌گیرد. البته رته‌هایی از توجه به تجربه زیسته و تأثیرگذاری آن بر نگرش سوزه‌ها در کار آبراهامیان وجود دارد. تغییر در نگرش و تغییر در هاله معنایی مفقوده این حمله شیوه زیست و تجربه زندگی روزمره زندانیان در زندان‌ها بوده که آبراهامیان آن را مستند کرده ولی در بقیه کارها آگاهی را بدون میانجی تجربه‌های زیسته به هستی اجتماعی ربط می‌دهد.

مهم‌ترین شکل این نوع نظریه‌پردازی را در فصل اول «ایران من و انقلاب» می‌بینیم که تحلیلی درخشان از قیومت و طبقه در دوران قاجار به دست می‌دهد. اما بلافاصله بدون توجه به شیوه زندگی سوزه‌های مورد بحث به آگاهی طبقاتی و ناآگاهی طبقاتی و تکوین‌نیافتگی آگاهی طبقاتی در اثربخشی قیومت و قبیله می‌پردازد. آبراهامیان به سومین سطح به قوت می‌پردازد. از درخشان‌ترین صفحات تاریخ‌نگاری ما مربوط به آبراهامیان است که عدم تکوین آگاهی طبقاتی را هم در سطح تحلیلی و هم در سطح تجربی بررسی می‌کند اما بدون عطف عنایت به تجربه زیسته.

چهارمین لازمه تاریخ‌نگاری اجتماعی سطح کنش دسته‌جمعی است. اگر در سطح قبل ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی‌ها و شعور انسانی مطرح بود، در این سطح صحبت از توانایی است که به کنش دسته‌جمعی سوزه‌های مورد مطالعه می‌رسیم. آبراهامیان در این سطح با قوت با همه لوازم تاریخ‌نگاری کرده. در کارهای آبراهامیان می‌بینیم که علت شورش‌های دهقانی را با چه قوتی تحلیل کرده. جنبش‌های کارگری و انواع تحركات کارگری را به بحث گذاشته. یکی از بخش‌های درخشان مطالعات آبراهامیان جماعت‌ها (crowded) است. توده‌های مردم که در خیابان شکل می‌گیرند و بر تحولات اجتماعی تأثیر می‌گذارند. اینها در سطح کنش‌هاست. اما آبراهامیان در کنار کنش‌ها به سطح نهادی و سازمانی هم به قوت توجه کرده است. مطالعاتی که درباره سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به دست داده یکی از درخشان‌ترین کارهای تاریخ‌نگاری ماست، یعنی در بحثی ذیل عنوان اسلام رادیکال. آبراهامیان می‌گوید زمانی که من شروع به نوشتن این کتاب کردم، سازمان جزئی از یک جنبش اجتماعی قوی بود، ولی زمانی که کتاب را به پایان رساندم تبدیل به یک فرقه و کیش شده بود. سازمان حزب توده و بسیاری از موارد دیگر در این مؤلفه مفهومی در کار آبراهامیان به قوت مدنظر قرار گرفته است. آبراهامیان با این چهار مؤلفه مفهومی تاریخ از پایین فقط به شیوه تحلیلی برخورد نکرده، بلکه در کار او مفاهیم علوم اجتماعی را نیز می‌بینیم اما بیش از آن با تاریخ‌نگاری روبه‌رویم. پشت این روایت‌های تاریخی ذهنی منسجم و مورخ قرار دارد که از مفاهیم نظری نیز استفاده کرده است.

رؤیاهایی که می‌آیند

خاکستر در برف

ساسان گلفر

● اکران‌های سینمایی اوایل سال ۲۰۱۹ و پس از تعطیلات سال نو مطابق معمول چندان آثار درخشانی نیستند، بااین‌حال اگر «نیمه پر لیوان» را در نظر بگیریم، در میان چند «داستان دورودراز» که در «ضرب‌الاجل» این فصل برفی روی پرده رفته‌اند، بالاخره چند اثر قابل دیدن پیدا می‌شود، ولو این فیلم‌ها فقط «سنخسه‌های بدلی» آثار اصیل سینمایی باشند. در میان فیلم‌هایی که از روز جمعه، ۲۱ دی، روی پرده رفته‌اند، اسامی انیمیشن «قهرمانان فروتن»، کمدی «غریبه‌های کامل»، درام «راه سگ به خانه» و درام «خاکستر در برف»، نیز به چشم می‌خورد.

نیمه پر لیوان TheUpside



بازسازی فیلم فرانسوی «غیرقابل دسترس‌ها» به علت آنکه ترجمه عنوان انگلیسی‌اش با «تسخیرناپذیران» اشتباه گرفته می‌ش، با این نام روی پرده رفت. در این کمدی/ درام آمریکایی، برانان کرنستون در نقش مردی از طبقه مجناز ظاهر شده که در تصادفی فلج و زمین‌گیر شده است و با وجود عقاید نژادپرستانه با پرستار سیاه‌پوستی که کوین هارت نقشش او را بازی می‌کند، همراه می‌شود و زندگی تازه‌ای را تجربه می‌کند. نیکول کیدمن نیز دیگر بازیگر این فیلم به کارگردانی نیل برگر است.

سنخسه‌های بدلی Replicas



دانشمندی که اعضای خانواده‌اش را در یک سانحه از دست می‌دهد، فقط به این فکر است که چگونه آنها را به زندگی بازگرداند یا لاقال خود را با دیدن نمونه‌های جایگزین آنها تسکین بدهد و برای این منظور با نهادهای دولتی و امنیتی و حتی قوانین طبیعت نیز درمی‌افتد. کیانو ریوز، آلیس ایو و تامس میدلج بازیگران این اثر علمی- تخیلی دلهره‌آور به کارگردانی جفری ناخمانوف هستند. زمان نمایش این فیلم ۱۰۷ دقیقه است.

ضرب‌الاجل Against the Clock



مایک پولیش، کارگردان این درام جاسوسی دلهره‌آور، نقش یک مأمور نوآموز سازمان سیا را ایفا می‌کند که در جریان یک مأموریت دچار آسیب جدی و بستری می‌شود و دایانا اکرون در نقش همسر او که خود مأمور و با سابقه‌تر از اوست، می‌خواهد به راز مأموریت و اتفاقی که برای شوهرش افتاده، پی ببرد، اما متوجه می‌شود که این یک ماجرای پیچیده درون‌سازمانی است و جان او و شوهرش در خطر است. اندی گارسیا و جاستین بارتا از دیگر بازیگران این فیلم هستند.

داستان‌های دورودراز Tall Tales



آپولو، جیرجیرکی خوش‌قلب و نمایشگری سیار است که گذارش به روستای حشره‌های کوچک خوشحال می‌افتد و در آنجا درگیر توطئه‌های سیاسی قلمروی پادشاهی حشرات می‌شود. ملکه مارگریت ربوده می‌شود و عامل اصلی این حشره‌ربایی که یکی از اطرافیان ملکه به نام وندی است، گناه را به گردن آپولو می‌اندازد. این انیمیشن بلند ۷۷ دقیقه‌ای را آنتون کرینگر کارگردانی کرده و جاستین لانگ و کیت مارا از صدایشگانش هستند.